

## تعیین‌کننده‌های توانمندسازی روانشناختی زنان روستایی شهرستان

### مرودشت

آذرمیدخت رضایی<sup>۱</sup>، کیومرث زرافشانی<sup>۲</sup>، مژگان خوش‌مرام<sup>۳</sup>، نعمت‌اله شیری<sup>۴</sup>

#### چکیده

پژوهش حاضر با هدف اصلی بررسی تعیین‌کننده‌های توانمندسازی روانشناختی زنان نواحی روستایی شهرستان مرودشت انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل تمام جمعیت فعال (۱۵ تا ۶۵ سال) زنان روستایی شهرستان مرودشت بودند که با استفاده از جدول بارتلت و همکاران (۲۰۰۱)، ۲۲۷ نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار اصلی پژوهش پرسشنامه‌ای بود که روایی آن توسط جمعی از متخصصان و روایی سازه و پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بررسی شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۵ و SmartPLS نسخه سه انجام شد. یافته‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی و عوامل نهادی تأثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی روانشناختی زنان نواحی روستایی شهرستان مرودشت داشتند. در نهایت، راهکارهایی نظیر «دادن وام و اعتبارات به زنان روستایی»، «راه‌اندازی صندوق‌ها و مؤسساتی با هدف حمایت مادی و معنوی از زنان روستایی» و «بالا بردن سطح آگاهی، دانش و مهارت زندگی» برای بهبود توانمندسازی روانشناختی زنان نواحی روستایی شهرستان مرودشت پیشنهاد شد.

**واژه‌های کلیدی:** توانمندسازی، توانمندسازی روانشناختی، زنان روستایی، شهرستان مرودشت

<sup>۱</sup> استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت rezaei.azar@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشیار، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی Zarafshani2000@yahoo.com

<sup>۳</sup> مدرس گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشگاه ایلام mkhoshmaram3@gmail.com

<sup>۴</sup> استادیار گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشگاه ایلام Nshiri82@gmail.com

## مقدمه

زنان نقش بسیار مهمی در اداره امور جامعه و خانواده دارند و می‌توانند مسئولیت‌های حساسی را برای تسریع روند تغییر و تحقق اهداف رشد و توسعه پایدار، برعهده گیرند. این در حالی است که نقش زنان در رشد و توسعه اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی در طی قرون متمادی همواره مورد کم‌لطفی قرار گرفته است (Giuliano, 2014). نظر به این که زنان محور اصلی پیشرفت و توسعه در جامعه به شمار می‌روند؛ بنابراین، دستیابی به توسعه پایدار بدون در نظر گرفتن نقش زنان، به عنوان نیمی از جمعیت جهان، میسر نخواهد بود. زنان در اجتماعات روستایی نقش حیاتی را ایفا می‌کنند و افزون بر فعالیت‌های درون منزل، در همه مراحل تولید محصولات کشاورزی همراه مردان به فعالیت می‌پردازند. به عبارتی، زنان نیروی محرکه‌ای برای ایجاد تحول و منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد روستا به شمار می‌روند (Kishor and Gupta, 2004). علی‌رغم نقشی حساس زنان در جوامع روستایی، بررسی‌ها بیانگر این واقعیت است که توانایی آنان به میزان بسیار کمتری ارزش‌گذاری شده است و از توانایی زنان روستایی برای بهتر ساختن زندگی خود، خانواده و اجتماع به درستی استفاده نشده است (Koeing et al., 2003). به بیانی دیگر، دولت سرمایه‌گذاری‌های اندکی برای توسعه منابع انسانی زنان و بخصوص زنان روستایی تخصیص داده است و رشد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن‌ها را در فرآیند توسعه مورد غفلت قرار گرفته است (Rezaeimoghadam & Nematpour, 2014). در تأیید این ادعا، نتایج بررسی‌ها حاکی از این است با وجود دگرگونی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، علمی و فنی در جوامع مختلف، هنوز نابرابری‌های جنسیتی و محرومیت زنان هم‌چنان در حکم معضلی بزرگ به حیات خود ادامه داده است (Abolfathzadeh et al., 2016)؛ به گونه‌ای که در حال حاضر، ساختار جامعه روستایی ایران همچنان بر پایه روابط پدرسالارانه و گفتمان غالب در آن، قدرت و سلطه مردان و پذیرش زنان است. در واقع، مدیران و برنامه‌ریزان کشورهای در حال توسعه، به زنان روستایی و نقش آنان در توسعه جامعه روستایی چندان اعتقادی ندارند و نقش زنان در فرآیند توسعه ناچیز به شمار می‌رود و از توانایی‌های آنان برای ساختن بهتر زندگی برای خود، خانواده و اجتماع به درستی استفاده نمی‌شود؛ این در حالی است که نیروی انسانی نقش تعیین کننده‌ای در توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کند (Kimiaee, 2011). در این راستا، بسیاری از محققان و دانشمندان یکی از دلایل اصلی دست نیافتن کشورهای در حال توسعه به اهداف توسعه روستایی را پایین بودن سطح توانمندی زنان می‌دانند (Parveen, 2007). دلیل این توجه آن است که زنان یکی از گروه‌های اجتماعی هستند که وظایف متعددی در جامعه دارند و توانمندی آن‌ها موجب توانمندی سایر افراد و حتی اعضای خانواده می‌شود (World Health Organization, 2006). بنابراین، واضح و مبرهن است برای آن که زنان بتوانند به وظایف خود عمل نمایند ناگزیر از توانمندی هستند؛

چراکه از طریق توانمندی است که یک زن می‌تواند نقش‌های عاطفی، عقلانی، اجتماعی و اقتصادی خود را ایفا نماید (Giuliano, 2014). نظر به اهمیت نقش زنان در فرآیند توسعه به خصوص توسعه پایدار روستایی، سازمان‌های حمایتی و توسعه‌گر بایستی همواره به دنبال توانمندسازی و ارتقای مهارت‌ها و صلاحیت‌های زنان روستایی باشند (Kimiaee, 2011). توانمندسازی زنان روستایی به معنای تلاش برای توسعه توانایی‌ها و صلاحیت‌هایی در آنان به منظور غلبه بر موانع ذهنی و روانی پیش‌رو برای رسیدن به خودتعیینی، خودکارآمدی و توانایی تصمیم‌گیری است (Becker et al., 2004). توانمندسازی دارای انواع مختلفی است که برخی از آن‌ها عبارتند از: توانمندسازی روانشناختی، توانمندسازی اجتماعی، توانمندسازی سیاسی، توانمندسازی اقتصادی، توانمندسازی شغلی. از بین انواع توانمندسازی، یکی از مهم‌ترین آن‌ها که در سرنوشت و زندگی هر فرد اهمیت بسیار زیادی دارد «توانمندسازی روانشناختی» است. توانمندسازی روانشناختی فرآیند انگیزش درونی و ادراک افراد از توانایی‌هایشان است که در فرآیندهای شناختی تجلی می‌یابد (Thomas & Velthouse, 1999). از آنجایی که توانمندی زنان پدیده‌ای اجتماعی است و پدیده‌های اجتماعی تک‌علتی نیستند، توانمند شدن زنان به عوامل متعددی بستگی دارد. در این راستا، توانمندی روانشناختی زنان نیز به عوامل نهادی، اجتماعی و اقتصادی مختلفی بستگی دارد که صرفاً توجه به یک عامل نمی‌تواند تعیین‌کننده میزان توانمندی آنان باشد. با وجود این، در مطالعاتی که در خصوص توانمندسازی زنان انجام شده است، معمولاً به توانمندسازی روانشناختی کم‌تر توجه شده است (Jalilian & Saadi, 2016). لذا، این امر موجب گردید که پژوهش حاضر با هدف اصلی «بررسی تعیین‌کننده‌های توانمندسازی روانشناختی در بین زنان نواحی روستایی شهرستان مرودشت» و به منظور ارائه راهکارهایی برای تقویت توانمندسازی روانشناختی زنان روستایی انجام شود.

توانمندسازی مفهومی چند بُعدی و فرآیندی پیوسته است که بر اساس آن افراد یک جامعه از نوعی خوداعتمادی برخوردار شده و قادر به ارزیابی درست و شناخت واقعی خویش می‌شوند و از توانایی‌ها و قابلیت‌ها، برای رسیدن به اهداف خود آگاه شده و می‌توانند با افزایش توانمندی خود به هدف‌های مورد نظر خود دست یابند (Jalilian & Saadi, 2016). Shaditalab et al. (2005) نیز توانمندسازی را فرایندی می‌داند که به واسطه آن افراد به سطحی از توسعه فردی دست می‌یابند که به آنان امکان انتخاب بر اساس خواسته‌های خود را می‌دهد. توانمندسازی به معنای فرصت و سهم برابر زنان و مردان در فرآیند تصمیم‌گیری است؛ به گونه‌ای که موجب برابری جنسیتی در بین آنان می‌شود (White, 2010). توانمندسازی زنان، عبارت از فرآیندی است که از طریق آن زنان به دانش، مهارت‌ها و منابع دسترسی پیدا می‌کنند که آن‌ها را قادر می‌سازد تا کنترل مثبتی بر زندگی خویش به دست آورده و بتواند کیفیت سبک زندگی خود را بهبود بخشد (Singh, 1995). در طی فرآیند

توانمندسازی، زنان روستایی نه تنها از حقوق خویش مطلع می‌شوند؛ بلکه اعتماد به نفس آنان نیز افزایش می‌یابد؛ به گونه‌ای که خود را از فقر مطلق رهایی می‌بخشند (Malhotra et al, 2003). اصولاً توانمندسازی یک فرآیند محسوب می‌شود، یعنی معرف پیشرفت از یک موقعیت به موقعیت دیگر است (Malhotra et al, 2003). این فرآیند از سطح فردی (احساس ذهنی و توان عینی برای انجام امور) شروع می‌شود تا سطوح اجتماعی (توان مشارکت در فعالیت‌های گروهی و جمعی)، سیاسی (کنترل بر تصمیمات سیاسی)، اقتصادی (توان کنترل تصمیم‌گیری‌های اقتصادی) و نهادی (به چالش کشیدن نهادها و ساختارهای نابرابر موجود) را دربر می‌گیرد (Shakori et al., 2007). اگر شخص یا گروهی توانمند شده باشند، توانایی تصمیم‌گیری مؤثر را دارند؛ به این معنی که تصمیماتشان را به فعالیت‌ها و نتایج دلخواه انتقال می‌دهند (Alsop and Heinsohn, 2005). توانمندسازی روانشناختی از سوی عده‌ای از صاحب‌نظران به منزله تحول درونی فرد تعریف می‌شود که با ایجاد اعتماد به نفس آغاز می‌شود و به سرعت به احساس خودارزشمندی فرد تبدیل می‌شود. این امر در نهایت به موفقیت شخصی فرد منتهی شده و هدف آن نیز، افزایش پتانسیل افراد برای تغییر خود است (Wilson, 1996). برخی دیگر از صاحب‌نظران توانمندی روانشناختی را به عنوان یک حالت شناختی تعریف کرده‌اند که به وسیله حسی از «درونی شدن اهداف»، «درک شایستگی» و «فهم کنترل» تصور شده است (Abbaspour & Badri, 2016). Thomas & Velthouse (1990) و Li (2006) نیز توانمندسازی روانشناختی را فرآیند انگیزش درونی و ادراک فرد از توانایی‌هایش می‌دانند که در فرآیندهای شناختی تجلی می‌یابد و دارای چهار بعد احساس معناداری، احساس توانایی و کفایت (شایستگی)، احساس خودتعیینی (اقتدار) و احساس اثرگذاری است. با توجه به جامعیت ابعاد در نظر گرفته شده در این دو مطالعه از یک سو و مطابقت آن با محیط‌های غیرسازمانی (روستایی) از دیگر سو، در پژوهش حاضر برای سنجش توانمندسازی روانشناختی زنان روستایی شهرستان مرودشت از این ابعاد بهره گرفته شده است. از این رو، در ادامه این ابعاد معرفی می‌شوند (Karimivakil et al., 2018):

**- احساس معناداری:** احساس معناداری یعنی این که فرد احساس می‌کند که اهداف مهم و با ارزشی را دنبال می‌کند و بین ارزش‌ها، نقش‌ها، باورها، نیازها و رفتارهای فرد نوعی سازگاری وجود دارد. احساس معناداری فرصتی است که فرد احساس می‌کند هدف با ارزشی را دنبال می‌کند و در مسیری قرار گرفته که زمان و انرژی وی ارزشمند است و مأموریتی دارد که هدف مهمی را دنبال می‌کند. وقتی فرد در مورد کاری هیجان زده می‌شود، نشان دهنده معناداری آن برای اوست و لذا این امر موجب می‌شود که تمرکز، توجه و صرف انرژی روی آن کار، آسان شود.

- **احساس اثرگذاری:** فرد احساس می‌کند که می‌تواند بر نتایج و پیامدهای راهبردی، اداری، عملیاتی زندگی خود اثر بگذارد. فرد باور دارد که می‌تواند با تحت تأثیر قرار دادن محیطی که در آن کار می‌کند با نتایجی که تولید می‌شوند، تغییر ایجاد کند. به عبارتی، تحقق عملی است که فرد احساس می‌کند در حال حرکت و دستیابی به هدفی است و در برگیرنده حسی است که کارهای فرد می‌تواند به تحقق چیزی منجر شود.

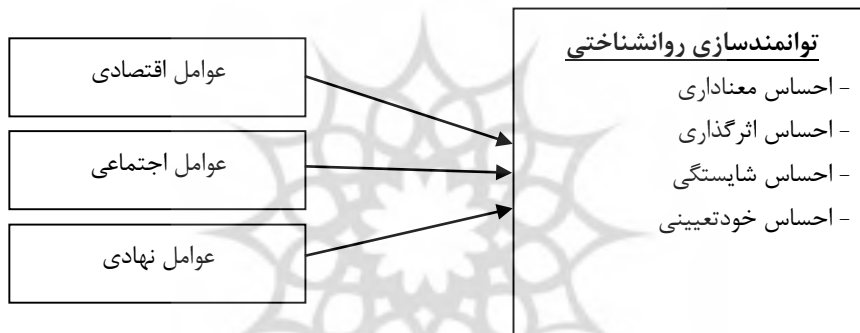
- **احساس شایستگی (توانایی و کفایت):** به باور فرد در مورد توانایی‌هایش اشاره دارد. فرد بر این باور است که قابلیت‌ها و توانایی‌های لازم برای انجام موفقیت‌آمیز مسئولیت‌ها و وظایف را دارد. احساس شایستگی، تحقق عملی است که فرد احساس می‌کند می‌تواند با مهارت، فعالیت‌های انتخاب شده را انجام دهد. احساس شایستگی در برگیرنده این حس است که فرد کاری را به بهترین صورت و با کیفیت بالا انجام می‌دهد.

- **احساس خودتعیینی (اقتدار):** به آزادی عمل و استقلال افراد در تعیین فعالیت‌های لازم برای انجام وظایف اشاره دارد. به عبارت دیگر، احساس اقتدار به معنی احساس انتخاب در آغاز فعالیت‌ها، تداوم و نظم بخشیدن به فعالیت‌ها است. حس انتخاب، فرصتی است که فرد فعالیت‌هایی را انتخاب می‌کند که برای وی معنادار هستند و آن‌ها را به شیوه‌ای که به نظر وی مناسب هستند انجام می‌دهد. احساس اقتدار، احساس قادر بودن، احساس آزادی انتخاب به منظور استفاده از قضاوت فردی است تا درک خود را به اجرا درآورد.

Karimivakil et al. (2018) در پژوهشی تحت عنوان «تدوین برنامه آموزشی توانمندسازی روانشناختی زنان سرپرست خانوار بر مبنای نظریه روان‌شناسی فردی و ارزیابی اثربخشی آن» به این نتیجه دست یافتند که برنامه آموزشی توانمندسازی روانشناختی بر افزایش سطح توانمندی روانی زنان سرپرست خانوار تأثیر دارد. Jalilian & Saadi (2016) نیز در پژوهشی به بررسی تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی-اقتصادی بر توانمندی روانشناختی زنان روستایی در شهرستان اسلام‌آباد پرداختند. نتایج مطالعه مذکور حاکی از آن بود که قوی‌ترین متغیرهای اقتصادی-اجتماعی تبیین‌کننده توانمندی روانشناختی زنان روستایی مورد مطالعه به ترتیب میزان مالکیت و اعتماد به نفس آنان بود. Nakhoda et al. (2014) در مطالعه‌ای تحت عنوان «شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی روانشناختی زنان در خدمات اطلاعاتی و دانشی» به این نتیجه دست یافتند که عوامل فردی نظیر انگیزش، الگوسازی، دانش و مهارت تخصصی و عزت نفس و عوامل گروهی نظیر اهمیت گروهی، اعتماد بین-گروهی، ادراک گروه از میزان تأثیرگذاری و تصمیم‌گیری گروهی و عوامل سازمانی نظیر وضوح نقش، حیطة کنترل، دسترسی به اطلاعات، فضای مشارکتی، دسترسی به منابع و حمایت‌های سازمانی از

عوامل مؤثر بر توانمندسازی روانشناختی کارکنان زن شاغل در کتابخانه‌های عمومی شهر تهران به شمار می‌روند. Charmchian Langerodi & Alibaygi (2013) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی روانشناختی زنان روستایی» به این نتیجه دست یافتند که ۶۲ درصد واریانس توانمندسازی روانشناختی زنان روستایی شهرستان ساری به وسیله شش عامل میزان ارتباطات، میزان گرفتن وام از منابع گوناگون، میزان مفید بودن روش‌ها و رهیافت‌ها، موانع، راهکارها و تحصیلات تبیین می‌شود. Faghiri et al. (2014) در پژوهشی تحت عنوان «پیش‌بینی توانمندسازی زنان روستایی با استفاده از الگوی مبتنی بر تحلیل تشخیصی» به این نتیجه دست یافتند که متغیرهای پیش‌بین کنترل بر منابع اقتصادی، قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، تحرک و پویایی و آزادی از تسلط خانواده در طبقه بندی زنان روستایی به سه گروه توانمندی کم، متوسط و زیاد نقش داشتند. Rezaeimoghadam & Nematpour (2014) در پژوهشی تحت عنوان «فعالیت در تشکلهای تولید ورمی کمپوست، راهکاری برای توانمندسازی زنان روستایی» به این نتیجه دست یافتند که از مهم‌ترین اثرات این تشکلهای بر زنان جامعه روستایی ارتقای سطح آگاهی و نیز افزایش اعتماد متقابل بین آنهاست؛ همچنین از مهم‌ترین پیامدهای فعالیت در این تشکلهای افزایش اعتماد به نفس و تقویت روحیه رهبری است. Vatankhah Noghani et al. (2016) در پژوهشی تحت عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی راهبردهای توانمندسازی زنان در روستاهای مهاجر فرست» به این نتیجه دست یافتند که مهم‌ترین راهبرد توانمندسازی زنان در روستاهای مورد نظر، افزایش توجه به زنان در برنامه‌های توسعه نواحی روستایی در سطوح بالای تصمیم‌گیری است. charmiyan (2016) در مطالعه‌ای به بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که متغیر مذکور تأثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی زنان مورد مطالعه دارد. Kaldi & Salahshouri (2012) نیز در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر توانمندسازی زنان پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که حمایت اجتماعی بر توانمندسازی روانشناختی، اقتصادی، جسمی و توانمندسازی کل تأثیر داشته است. Degago and Aschale (2018) در پژوهشی به بررسی تأثیر اعتبارات خرد بر توانمندسازی روانشناختی و اجتماعی- اقتصادی زنان روستایی اتیوپی پرداختند. نتایج مطالعه آنان حاکی از آن بود که مشارکت زنان در برنامه‌های اعتبارات خرد منجر به توانمندسازی اجتماعی، اقتصادی و روانشناختی زنان شده است. Taghipour et al. (2016) در مطالعه‌ای تحت عنوان «مدل توانمندسازی روانشناختی زنان باردار ایرانی» به این نتیجه دست یافتند که مدل توانمندسازی روانشناختی مادران باردار متأثر از عوامل فردی نظیر سن ازدواج، وضعیت اشتغال و برخی مسائل ذهنیتی نظیر رضایت از زندگی زناشویی و تجربه خشونت می‌باشد. Bakhshi et al. (2017) مشارکت، انگیزه، تفکر شناختی، تفکر انتقادی، خودکارآمدی، کنترل درک شده و حمایت

اجتماعی را از ابعاد توانمندسازی شناختی زنان ایرانی عضو شرکت‌های مردم‌نهاد برشمردند. Islam et al. (2012) در مطالعه‌ای عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی بنگلادش را بررسی نمودند. آنان در مطالعات خویش به این نتیجه دست یافتند که استقلال و قدرت زنان در تصمیم‌گیری و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی بر توانمندسازی زنان روستایی مؤثرند. Khan (2010) ابعاد توانمندسازی را کنترل بر منابع اقتصادی، تصمیم‌گیری در درون خانواده، تحرک و مشارکت در بحث‌های خانوادگی برشمرده است و بر این باور است که نوع خانواده، ریاست خانواده، آگاهی از حقوق، شبکه‌های اجتماعی، همکاری همسر، مشارکت سیاسی، سن ازدواج و آموزش مخاطبان در توانمندسازی زنان تأثیرگذارند. نظر به این که از یک سو، عوامل اثرگذار بر توانمندسازی روانشناختی زنان روستایی متعدد بوده و از سوی دیگر، محققان در پژوهش حاضر به دنبال دستیابی به چارچوب جامعی در این زمینه بودند، لذا تلاش شده با دسته‌بندی عوامل شناخته شده در دسته عوامل اجتماعی، اقتصادی و نهادی چارچوب کاملی در زمینه عوامل اثرگذار بر توانمندسازی زنان روستایی شهرستان مرودشت ارائه شود (شکل ۱).



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر پارادایم، کمی؛ از لحاظ هدف، کاربردی؛ از نظر گردآوری و تحلیل داده‌ها، همبستگی از نوع مدل‌سازی معادلات ساختاری؛ و از نظر افق زمانی، تک مقطعی بود. جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل جمعیت فعال (۱۵ تا ۶۴ سال) زنان در نواحی روستایی شهرستان مرودشت (استان فارس) بودند. در این راستا، با توجه به گستردگی و پراکندگی جغرافیایی جامعه آماری، ابتدا شهرستان مرودشت به پنج بخش (بخش‌های مرکزی، کامفیروز، درودزن، رامجرد و سیدان) بر اساس تقسیم‌بندی شهرداری تقسیم شد؛ سپس از هر بخش یک دهستان (دهستان‌های رودبال، خرم‌مکان، ابرج، رحمت و گرمه) و از هر دهستان یک روستا برای مطالعه انتخاب شد. به دلیل عدم وجود آمار

دقیق از دهستان‌ها و روستاهای انتخاب شده در شهرستان مرودشت، جامعه آماری مورد مطالعه در دسته جوامع آماری نامحدود به شمار می‌رود. با توجه به نامحدود بودن حجم جامعه آماری مورد مطالعه، بر مبنای جدول نمونه‌گیری Bartlett et al. (2001) حداقل تعداد ۲۰۹ نفر بایستی برای مطالعه انتخاب شود. در این راستا، با توجه به پراکندگی و گستردگی جامعه آماری و طولانی بودن پرسشنامه این احتمال می‌رفت که نرخ بازگشت و تکمیل پرسشنامه‌ها پایین باشد. برای غلبه بر این مشکل، تعداد ۲۵۰ پرسشنامه به روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای<sup>۱</sup> با انتساب متناسب در بین جمعیت فعال زنان روستاهای منتخب در شهرستان مرودشت توزیع شد. در نهایت، پس از پیگیری‌های مستمر تعداد ۲۲۷ پرسشنامه به صورت تکمیل شده برگشت داده شد. میانگین سن پاسخگویان برابر ۳۹/۱۳ با انحراف معیار ۹/۳۸ سال بود؛ ۱۷۸ نفر (۸۲/۴ درصد) از پاسخگویان با بیشترین فراوانی متاهل و فقط ۱۷/۶ درصد از آن‌ها مجرد بودند؛ ۳۹/۱ درصد از پاسخگویان با بیشترین فراوانی دارای تحصیلات راهنمایی و ۶ نفر (۲/۸ درصد) از آن‌ها با کمترین فراوانی دارای تحصیلات ابتدایی بودند؛ میانگین درآمد ماهیانه خانوار پاسخگویان حدود یک میلیون و دویست هزار تومان با انحراف معیار حدود ۶۸۰ هزار تومان بود؛ ۱۴۷ نفر (۶۹/۳ درصد) از پاسخگویان با بیشترین فراوانی خانه‌دار و تنها ۲ نفر (۰/۹ درصد) از آن‌ها با کمترین فراوانی در سازمان‌ها و ادارات دولتی و خصوصی به صورت کارمند مشغول به کار بودند؛ ۱۹۳ نفر (۹۱ درصد) از پاسخگویان با بیشترین فراوانی سرپرست خانواده نبودند؛ و میانگین تعداد اعضای خانوار پاسخگویان برابر ۳/۷۲ با انحراف معیار ۱/۱۱ نفر بود. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه‌ای مشتمل بر پنج بخش: ویژگی‌های جمعیت-شناختی (سن، وضعیت تاهل، سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال، سرپرست خانوار، تعداد اعضای خانوار و میزان درآمد ماهیانه خانوار)، عوامل اجتماعی (آزادی و اختیار، استفاده از رسانه‌های جمعی و ارتباطات اجتماعی)، عوامل اقتصادی، عوامل نهادی و توانمندسازی روانشناختی (احساس معناداری، اثرگذاری، شایستگی و خودتعیینی) بود. برای سنجش عوامل اجتماعی از ۲۳ سوال (هفت سوال برای آزادی و اختیار، نه سوال برای ارتباطات اجتماعی و هفت سوال برای استفاده از رسانه‌های جمعی) در قالب طیف لیکرت (۱- خیلی کم تا ۵- خیلی زیاد) بهره گرفته شد. برای سنجش عوامل اقتصادی از شش سؤال در قالب طیف لیکرت (۱- خیلی کم تا ۵- خیلی زیاد) بهره گرفته شد. برای سنجش عوامل نهادی از هفت سؤال در قالب طیف لیکرت (۱- خیلی کم تا ۵- خیلی زیاد) بهره گرفته شد. در نهایت، برای سنجش توانمندسازی روانشناختی از ۲۰ سوال (احساس معناداری، خودتعیینی، اثرگذاری، شایستگی هر کدام پنج سوال) در قالب طیف لیکرت (۱- خیلی کم تا ۵- خیلی زیاد) بهره گرفته شد. روایی پرسشنامه با استفاده از نظر متخصصان روانشناختی و توسعه

<sup>1</sup> Multi-stage Sampling



روستایی و روایی سازه (همگرا و تشخیصی) و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بررسی و تایید شد (جدول ۶). به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۵ و SmartPLS نسخه ۳ بهره گرفته شد.

### یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش با استفاده از آماره‌های میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه در جدول ۱ نشان داده شده‌اند.

جدول ۱- یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین*	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
احساس معناداری	۳/۸۷	۰/۷۵	۱/۸۰	۵/۰۰
احساس اثرگذاری	۳/۶۸	۰/۷۴	۱/۰۰	۵/۰۰
احساس شایستگی	۳/۸۸	۰/۷۳	۱/۸۰	۵/۰۰
احساس خودتعیینی	۳/۹۳	۰/۷۳	۱/۲۰	۵/۰۰
توانمندسازی روانشناختی (کلی)	۳/۸۴	۰/۶۴	۲/۰۰	۵/۰۰
آزادی و اختیار	۳/۰۳	۰/۸۱	۱/۰۰	۵/۰۰
استفاده از رسانه‌های جمعی	۲/۳۵	۰/۷۲	۱/۰۰	۴/۸۶
ارتباطات اجتماعی	۳/۰۳	۰/۷۴	۱/۱۱	۴/۸۹
عوامل اجتماعی (کلی)	۲/۸۰	۰/۶۰	۱/۳۲	۴/۸۲
عوامل اقتصادی	۲/۳۲	۰/۷۲	۱/۰۰	۴/۸۳
عوامل نهادی	۲/۵۸	۰/۸۰	۱/۰۰	۵/۰۰

\*مقیاس متغیرها از ۱- خیلی کم تا ۵- خیلی زیاد است.

نتایج ارائه شده در جدول ۱؛ نشان‌دهنده این است که وضعیت تمام ابعاد توانمندسازی روانشناختی شامل: احساس معناداری، احساس اثرگذاری، احساس شایستگی و احساس خودتعیینی بالاتر از متوسط (۳) می‌باشد. همچنین میانگین وضعیت توانمندسازی روانشناختی برابر ۳/۸۴ با انحراف معیار ۰/۶۴ است؛ بنابراین، با توجه به طیف مورد استفاده می‌توان گفت وضعیت توانمندسازی روانشناختی در بین پاسخگویان بالاتر از متوسط (۳) است. نتایج ارائه شده در جدول ۱؛ نشان‌دهنده این است که میانگین متغیرهای آزادی و اختیار و ارتباطات اجتماعی نزدیک به سه و میانگین متغیر استفاده از رسانه‌های اجتماعی در بین آن‌ها نزدیک به دو است؛ بنابراین، می‌توان گفت که وضعیت متغیرهای آزادی و اختیار و ارتباطات اجتماعی در حد متوسط و وضعیت متغیر استفاده از رسانه‌های جمعی در حد کم است. علاوه بر این، نتایج نشان داد که میانگین وضعیت عوامل اجتماعی به صورت

کلی برابر  $2/80$  با انحراف معیار  $0/60$  است؛ بنابراین، با توجه به طیف مورد استفاده می‌توان گفت وضعیت عوامل اجتماعی در بین پاسخگویان پایین‌تر از متوسط (۳) است. نتایج ارائه شده در جدول ۱؛ بیانگر این است که میانگین وضعیت عوامل اقتصادی برابر  $2/32$  با انحراف معیار  $0/72$  است؛ بنابراین، با توجه به طیف مورد استفاده می‌توان گفت وضعیت عوامل اقتصادی در بین پاسخگویان نزدیک به پایین (۲) می‌باشد. نتایج ارائه شده در جدول ۱؛ نشان‌دهنده این است که میانگین عوامل نهادی برابر  $2/58$  با انحراف معیار  $0/80$  است؛ بنابراین، با توجه به طیف مورد استفاده می‌توان گفت از دیدگاه پاسخگویان عوامل نهادی نسبتاً کمی در جامعه برای حمایت از زنان روستایی وجود دارد؛ چرا که میانگین نمره عوامل نهادی از دیدگاه پاسخگویان بین کم (۲) و متوسط (۳) می‌باشد.

مدل پیشنهادی پژوهش تحت عنوان «تعیین‌کننده‌های توانمندسازی روانشناختی زنان نواحی روستایی شهرستان مرودشت» در دو بخش مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری و به‌کارگیری نرم‌افزار SmartPLS نسخه ۳ مورد ارزیابی قرار گرفته شده است. برای ارزیابی مدل اندازه‌گیری متغیرهای نهفته پژوهش از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. پس از حذف دو نشانگر (EF3, EF4) از عوامل اقتصادی و حذف یک نشانگر (IF1) از عوامل نهادی مدل به برازش بهینه رسید. شاخص‌های نیکویی برازش (جدول ۲)، خلاصه نتایج (جدول ۳) و جذر میانگین واریانس استخراج شده و ضرایب همبستگی بین سازه‌های پژوهش (جدول ۴) در ادامه ارائه شده‌اند.

جدول ۲- شاخص‌های برازش مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش

RMS_Theta	NFI	D_G	D_LS	SRMR	شاخص برازش
$\leq 0.12$	$> 0.80$	$> 0.05$	$> 0.05$	$< 0.10$	مقدار پیشنهاد شده
۰/۱۰	۰/۹۶	۰/۳۰۲	۰/۹۶۷	۰/۰۸۰	مقدار برآورد شده

- **برازش مدل:** نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که شاخص‌های ارزیابی نیکویی برازش مدل اندازه‌گیری متغیرهای نهفته پژوهش از مقدار مناسبی برخوردارند (جدول ۲)؛ بنابراین، داده‌ها از لحاظ آماری با ساختار عاملی و زیربنای نظری چهار متغیر نهفته (سازه) پژوهش سازگاری داشتند.

## جدول ۳- خلاصه نتایج ارزیابی مدل اندازه‌گیری پژوهش

$\alpha$	AVE	CR	t	$\lambda$	نشانهگر	متغیرهای نهفته
۰/۸۹	۰/۷۴	۰/۹۲	۴۳/۰۸**	۰/۸۷	PE1	توانمندسازی روانشناختی
			۵۹/۳۳**	۰/۸۸	PE2	
			۵۰/۵۷**	۰/۸۷	PE3	
			۲۷/۳۵**	۰/۸۳	PE4	
۰/۷۲	۰/۶۴	۰/۸۴	۲۰/۴۲**	۰/۸۲	SF1	عوامل اجتماعی
			۴۵/۱۷**	۰/۸۹	SF2	
			۱۱/۷۸**	۰/۶۸	SF3	
۰/۷۴	۰/۵۵	۰/۸۳	۷/۱۲**	۰/۷۰	EF1	عوامل اقتصادی
			۹/۴۴**	۰/۷۷	EF2	
			۶/۰۴**	۰/۶۳	EF5	
			۲۴/۱۵**	۰/۸۶	EF6	
۰/۸۴	۰/۵۵	۰/۸۸	۱۲/۴۰**	۰/۶۶	IF2	عوامل نهادی
			۲۲/۷۳**	۰/۸۱	IF3	
			۱۷/۵۰**	۰/۷۵	IF4	
			۲۰/۶۹**	۰/۷۹	IF5	
			۱۳/۵۹**	۰/۷۳	IF6	
			۱۳/۲۴**	۰/۷۱	IF7	

\*\* معنی‌داری در سطح خطای یک درصد

- **تک‌بعدی بودن نشانگرها:** نتایج ارائه شده در جدول ۳؛ نشان داد که بارعاملی استاندارد شده ( $\lambda$ ) تمامی نشانگرهای انتخابی برای متغیرهای نهفته پژوهش بالا (بالاتر از ۰/۵۰) و از لحاظ آماری در سطح خطای یک درصد معنادار بودند ( $P < 0.01$ ). این نتایج شواهد کافی را برای تأیید تک‌بعدی بودن نشانگرهای انتخابی در هر یک از متغیرهای نهفته پژوهش فراهم کرد؛ بنابراین، می‌توان اظهار کرد که نشانگرهای انتخابی برای هر یک از سازه پژوهش به درستی انتخاب شده‌اند.

- **پایایی ترکیبی:** نتایج ارائه شده در جدول ۳؛ نشان داد که پایایی ترکیبی (CR) تمام متغیرهای نهفته پژوهش بیشتر از ۰/۷۰ و ضریب آلفای کرونباخ آن‌ها نیز بالاتر از ۰/۷۰ بود؛ بنابراین، مدل اندازه‌گیری تمام متغیرهای نهفته پژوهش از پایایی مناسبی برخوردار بودند.

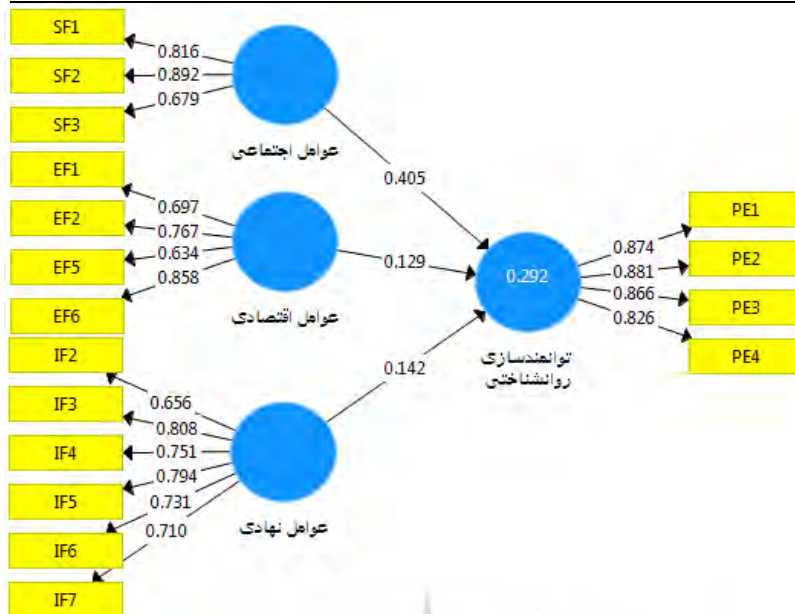
- **روایی همگرا:** نتایج ارائه شده در جدول ۳؛ نشان داد که میانگین واریانس استخراج شده (AVE) برای تمام متغیرهای نهفته پژوهش بیشتر از ۰/۵۰ بود؛ بنابراین، مدل اندازه‌گیری تمام متغیرهای نهفته پژوهش از روایی همگرای مناسبی برخوردار بودند.

جدول ۴- جذر میانگین واریانس استخراج شده و ضرایب همبستگی

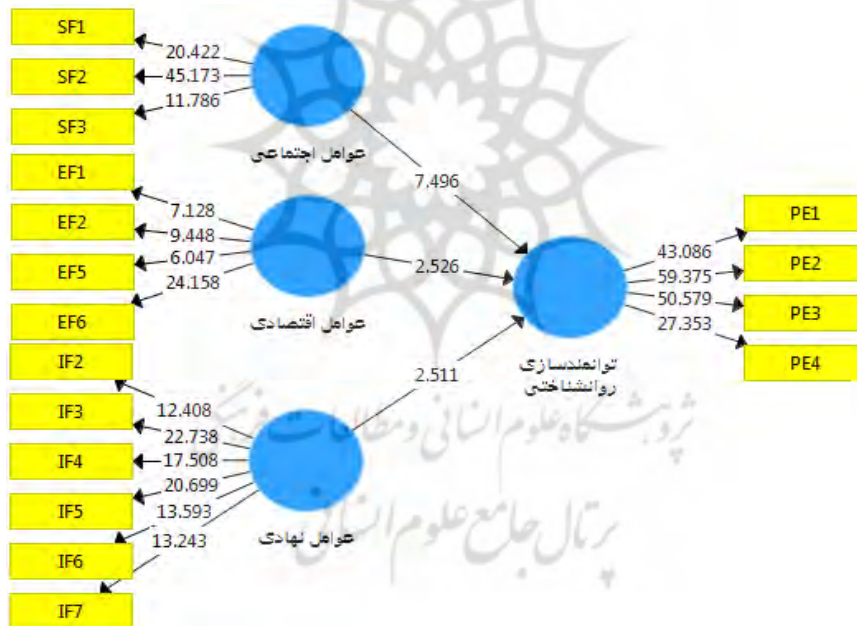
متغیرهای نهفته	۱	۲	۳	۴
توانمندسازی روانشناختی	۰/۸۶			
عوامل اجتماعی	۰/۵۱	۰/۸۰		
عوامل اقتصادی	۰/۳۰	۰/۳۲	۰/۷۴	
عوامل نهادی	۰/۳۴	۰/۴۱	۰/۲۸	۰/۷۴

توجه: اعداد عناصر قطری جدول، جذر میانگین واریانس استخراج شده و عناصر پایین قطر جدول، ضرایب همبستگی بین سازه‌ها می‌باشند.

- **روایی تشخیصی:** براساس نتایج ارائه شده در جدول ۴؛ مشاهده شد که جذر میانگین واریانس استخراج شده برای هر یک از متغیرهای نهفته پژوهش ( $0.74 < AVE < 0.86$ ) بزرگتر از همبستگی بین آنها ( $0.28 < r < 0.51$ ) بود. این نتیجه نشان داد که نشانگرهای انتخابی برای هر متغیر نهفته پژوهش درصد بالایی از واریانس مشترک آن متغیر نسبت به سایر متغیرها نهفته پژوهش را به اشتراک می‌گذارند؛ بنابراین، روایی تشخیصی مدل اندازه‌گیری متغیرهای نهفته پژوهش تأیید شد. برای آزمون فرضیه‌ها در قالب مدل مفهومی پژوهش از روش ارزیابی مدل ساختاری استفاده شد. مدل ساختاری پژوهش در حالت استاندارد (شکل ۲)، در حالت معناداری (شکل ۳) و خلاصه نتایج (جدول ۵) حاصل از ارزیابی مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش در ادامه ارائه شده‌اند.



شکل ۲- مدل ساختاری پژوهش در حالت استاندارد



شکل ۳- مدل ساختاری پژوهش در حالت معناداری

جدول ۵- خلاصه نتایج ارزیابی مدل ساختاری پژوهش

R <sup>2</sup>	ضریب مسیر		متغیرهای نهفته	
	t	$\beta$	برونزا	درونزا
۰/۲۹	۷/۵۰**	۰/۴۱	عوامل اجتماعی	توانمندسازی روانشناختی
	۲/۵۳*	۰/۱۳	عوامل اقتصادی	
	۲/۵۱*	۰/۱۴	عوامل نهادی	

\*\* معناداری در سطح خطای یک درصد و \* معناداری در سطح خطای پنج درصد

- ضریب مسیر ( $\beta$ ): نتایج ارائه شده در جدول ۵؛ بیانگر این است که متغیر نهفته عوامل اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری در سطح خطای یک درصد بر توانمندسازی روانشناختی دارد ( $\beta = 0.41, t = 7.50$ )؛ متغیر نهفته عوامل اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری در سطح خطای پنج درصد بر توانمندسازی روانشناختی دارد ( $\beta = 0.13, t = 2.53$ )؛ در نهایت، متغیر نهفته عوامل نهادی تأثیر مثبت و معناداری در سطح خطای پنج درصد بر توانمندسازی روانشناختی دارد ( $\beta = 0.13, t = 2.51$ ). در واقع، نتایج جدول ۵؛ حاکی از این است که عوامل اجتماعی، اقتصادی و نهادی متغیرهای تأثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی روانشناختی دارند؛ به گونه‌ای که عوامل اجتماعی مهم‌ترین متغیر و عوامل اقتصادی کم اهمیت‌ترین متغیر برای ارتقای توانمندسازی روانشناختی به شمار می‌روند.

- ضریب تبیین ( $R^2$ ): نتایج ارائه شده در جدول ۵؛ نشان می‌دهد که ضریب تبیین متغیر نهفته توانمندسازی روانشناختی برابر ۰/۲۹ می‌باشد؛ بدین معنی که ۲۹ درصد از تغییرات متغیر نهفته توانمندسازی روانشناختی توسط متغیرهای نهفته عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی و عوامل نهادی قابل تبیین و پیش‌بینی است که درصد قابل توجهی می‌باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش بیانگر این بود که وضعیت توانمندسازی روانشناختی در بین زنان روستایی شهرستان مرودشت بالاتر از متوسط (۳) بود. با وجود وضعیت نسبتاً خوب توانمندسازی روانشناختی در بین زنان روستایی شهرستان مرودشت، ولی با توجه به این که از یک طرف توانمندسازی متغیری است که به صورت مستمر و پیوسته بایستی در جهت تقویت و توسعه آن اقدام نمود و از طرف دیگر، توانمندسازی روانشناختی متغیری چندبعدی است که عوامل مختلفی در توسعه و بهبود آن دخالت دارند. لذا شناسایی تعیین‌کننده‌های آن از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردارند. از این‌رو، در ادامه به معرفی وضعیت و نحوه اثرگذاری تعیین‌کننده‌های توانمندسازی روانشناختی پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش نشان داد که میانگین وضعیت عوامل اجتماعی در بین زنان مورد مطالعه در شهرستان مرودشت پایین‌تر از متوسط بود. این یافته نشان می‌دهد که زنان روستایی شهرستان مرودشت از وضعیت اجتماعی مناسبی برخوردار نیستند و نیاز به توجه بیشتری در این زمینه دارند. افزون بر این، نتایج پژوهش بیانگر تأثیر مثبت و معنادار بالای متغیر عوامل اجتماعی بر توانمندسازی روانشناختی بود. در تفسیر این یافته واضح است که هرچه وضعیت اجتماعی زنان روستایی، یعنی میزان اختیار و آزادی، استفاده از رسانه‌های اجتماعی و ارتباطات اجتماعی آنان افزایش یابد، به تبع آن، آنان احساس توانمندی بیشتری در زندگی می‌کنند و در نتیجه توانمندسازی روانشناختی آنان نیز افزایش می‌یابد. در تأیید این ادعا، Bakhshi et al. (2017)، Islam et al. (2012)، Khan (2010) و Kimiaee (2011) نیز بیان می‌کنند که قبول مسئولیت (مسئولیت‌پذیری)، مشارکت در گروه‌های اجتماعی، حمایت اجتماعی و دانش و آگاهی نقش مهمی در توانمندسازی افراد در جامعه دارند. همچنین، مطالعات karimivakil et al. (2018) تأثیر دانش و آگاهی؛ Jalilian & Saadi (2016) تأثیر عوامل اجتماعی؛ Charmchian Langerodi & Alibaygi (2013) تأثیر ارتباطات اجتماعی؛ Faghiri et al. (2014) تأثیر قدرت تصمیم‌گیری و تحرک، پویایی و آزادی فرد؛ charmiyan (2016) تأثیر سرمایه اجتماعی؛ Degago & Aschale (2018) تأثیر مشارکت در صندوق‌های اعتبارات خرد بر توانمندسازی روانشناختی تأیید نمودند و با نتایج این پژوهش مبنی بر تأثیر عوامل اجتماعی (آزادی و اختیار، استفاده از رسانه‌های جمعی و ارتباطات اجتماعی) بر توانمندسازی روانشناختی هم‌خوانی دارند.

بر اساس یافته‌های پژوهش وضعیت اقتصادی زنان روستایی در شهرستان مرودشت در سطح پایینی قرار داشت؛ به‌گونه‌ای که اکثر آنان درآمد و پس‌انداز مستقل نداشتند و همچنین در حال حاضر مشغول کارها و فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزا نبودند. دلیل این امر ممکن است ناشی از نبودن فرصت‌های شغلی و درآمدزا برای زنان روستایی در شهرستان مرودشت باشد. افزون بر این، نتایج پژوهش بیانگر تأثیر مثبت و معنادار وضعیت اقتصادی بر توانمندسازی روانشناختی بود. نظر به این‌که وضعیت اقتصادی در این پژوهش با استفاده از شاخص‌هایی نظیر داشتن درآمد و پس‌انداز مستقل و داشتن کارها و فعالیت‌های اقتصادی درآمدزا و همچنین توانایی گرفتن وام از صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی بررسی شد، لذا بدیهی است که هرچه درآمد و پس‌انداز و کارها و فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزا در بین زنان روستایی افزایش یابد و آن‌ها توانایی لازم برای اخذ وام داشته باشند، قدرت و توانمندسازی روانشناختی آنان نیز افزایش می‌یابد. در تأیید این یافته، مطالعات Jalilian & Saadi (2016) تأثیر عوامل اقتصادی؛ Charmchian Langerodi & Alibaygi (2013) تأثیر گرفتن وام از منابع مختلف و تسهیلات؛ Faghiri et al. (2014) تأثیر کنترل بر منابع اقتصادی؛

Degago & Aschale (2018) تأثیر مشارکت در صندوق‌های اعتبارات خرد؛ و Khan (2010) تأثیر گرفتن تسهیلات اقتصادی بر توانمندسازی روانشناختی تأیید نمودند. نتایج پژوهش بیانگر این بود که وضعیت عوامل نهادی و حمایتی در نواحی روستایی شهرستان مرودشت از دیدگاه پاسخگویان در حد مطلوبی نبودند؛ چرا که از دیدگاه پاسخگویان در نواحی روستایی شهرستان مرودشت نهادها، صندوق‌ها و انجمن‌های مناسبی برای حمایت از زنان روستایی وجود ندارد و همچنین دولت و نهادها و سازمان‌های دولتی نیز به خوبی با ارائه تسهیلات و وام‌ها و دوره‌های آموزشی- ترویجی از زنان روستایی حمایت نمی‌کنند. یافته‌های پژوهش نیز نشان داد که عوامل نهادی تأثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی روانشناختی داشتند. این یافته با نتایج مطالعات: Charmchian Langerodi & Alibaygi (2014)، Rezaeimoghadam & Nematpour (2014)، Khan (2010) و Degago & Aschale (2018) مبنی بر تأثیر نهادهای حمایتی و تسهیلات بر توانمندسازی روانشناختی همخوانی دارد. در توجیه این یافته پر واضح است که هرچه نهادها، موسسات، انجمن‌ها و سازمان‌های دولتی و خصوصی برای حمایت از زنان در نواحی روستایی وجود داشته باشد، زنان روستایی احساس قدرت و توانمندی بیشتری می‌کنند و در نتیجه احساس توانمندسازی روانشناختی آنان نیز ارتقا می‌یابد.

### دستاوردها و پیشنهادها

در بحث دستاوردها و پیشنهادهای کاربردی این پژوهش می‌توان گفت سیاست‌گذاران، برنامه-ریزان و مدیران و مسئولان توسعه روستایی می‌توانند از دانش و آگاهی حاصل شده از این پژوهش در جهت تدوین راهبردها، راهکارها، محتوا و روش‌های آموزشی- ترویجی اثربخش برای توسعه توانمندسازی روانشناختی در بین زنان نواحی روستایی استفاده نمایند. در این راستا، با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهای زیر جهت ارتقای توانمندسازی روانشناختی زنان روستایی ارائه می‌گردد:

- دادن وام، تسهیلات و اعتبارات مالی و اقتصادی کم بهره به زنان روستایی در جهت راه‌اندازی فعالیت‌های اقتصادی کوچک و زودبازده؛
- برگزاری کلاس‌ها، دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی- ترویجی در جهت افزایش آگاهی، دانش، نگرش و مهارت‌های زندگی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی زنان روستایی؛
- تلاش در جهت راه‌اندازی کارگاه‌ها، تعاونی‌ها و فعالیت‌های درآمدزای گروهی و انفرادی کوچک و متوسط در بخش کشاورزی، صنایع دستی و ... در نواحی روستایی؛
- تلاش در جهت راه‌اندازی و تأسیس صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی و همچنین مؤسسات، نهادها و انجمن‌های حمایتی برای حمایت‌های مادی و معنوی از زنان در نواحی روستایی؛



- تسهیل دسترسی زنان روستایی به شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جمعی برای افزایش و ارتقای دانش و آگاهی آنان نسبت به مسائل جامعه؛  
 - راه‌اندازی و تأسیس کتابخانه‌ها، پارک‌ها و مراکز تفریحی برای حضور زنان در این مکان‌ها در جهت افزایش دانش و آگاهی و همچنین مشارکت آنان در مسائل اجتماعی؛

### تشکر و قدردانی

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی تحت عنوان «عوامل مؤثر بر توانمندسازی روانشناختی زنان نواحی روستایی شهرستان مرودشت و ارائه راهکارهایی به منظور ارتقای آن» است که با تصویب و حمایت مالی حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت اجرا گردیده است. بدین وسیله مراتب تقدیر و تشکر خود را از حمایت‌های این دانشگاه اعلام می‌داریم.

### References

- Abbaspour, A., Badri, M. (2016). The Relationship Between Psychological Empowerment and Effective Factors of Productivity of Human Resources. *Management Studies in Development and Evolution*, 24(79): 73-100.
- Abolfathzadeh, Z., Yousefi, A. & Amini, A. M. (2016). Evaluation of Factors Affecting Rural Women Empowerment in Isfahan City. *Women's Studies*, 7 (15): 1-27.
- Alsop, Ruth., Heinsohn, Nina. (2005). *Measuring Empowerment in Practice: Structuring Analysis and Framing Indicators*. World Bank Policy Research Working, 35-10.
- Amini, A. M., Ahmadi, M. A. & Abedi, S. (2007). Rural Women's Employment in Two Townships of Esfahan Province. *Quarterly Journal of Women's Studies Sociological and Psychological*, 5 (1): 65-91.
- Bakhshi, Fataneh., Shojaeizadeh, Davoud., Sadeghi, Roya., Nedjat, Saharnaz., Taghdisi, Mohammad Hossein., Laverack, Glenn. (2017). Psychological empowerment of NGO women in Iran: Designing a tool. *Electronic Physician*, 9 (9), 5270-5278.
- Bartlett, J., Kotrlík, J. & Higgins, C. (2001). Organizational research: Determining appropriation sample size in survey research. *Information technology, learning, and performance Journal*, 1 (19), 43- 50.
- Becker, J., Kovach, A.C., Gronseth, D.L. (2004). Individual empowerment: How community health workers operationalize self-determination, self-sufficiency, and decision-making abilities of low-income mothers, *Journal of Community Psychology*, 32(3): 327-342.

- Charmchian Langerodi, M., Alibaygi, A. (2013). An Investigation of Effective Factors on Rural Women's Psychological Empowerment in Sari. *Quarterly Journal of Women and Society*, 4(13), 165-192.
- Charmiyani, M. (2016). The Role of Social Capital on Female Citrus Orchardists' Empowerment in Sari Township. *Quarterly Journal of Women and Society*, 7(25), 1-28.
- Degago, Esayas., Yibeltal, Aschale. (2018). Role of Microfinances in Socio-Economic and Psychological Empowerment of Women in Some Selected Zones of Somali Region, Ethiopia. *Journal of Poverty, Investment and Development*, 44, 67- 81.
- Faghiri, M., Alibagi, A. H., Pourghasem, F. & Tatar, M. (2014). Predicting Empowerment of Rural Women Using Pattern Based Discriminant Analysis. *Educational Journal of Women and Family*, 9 (27): 113-133.
- Giuliano, P. (2014). The Role of Women in Society: from Preindustrial to Modern Times. *CESifo Economic Studies*, 63 (1): 33- 52.
- Islam, N., Ezaz, A., Chew, J., D'Netto, B. (2012). Determinants of empowerment of rural women in Bangladesh, *World Journal of Management*, 4 (2), 36 - 56.
- Jalilian, S. & Saadi, H. (2016). Investigation Effect of Socio- Economical Components on Rural Women's Psychological Empowerment in Islamabad Qarb County. *Journal of Rural Research*, 6(4): 745-767.
- Kaldi, A., Salahshouri, P. (2012). The Investigation of Social Support's Effect on Women Empowerment. *Journal of Iranian Social Development Studies*, 4(4), 7-22.
- Karimivakil, A., shafiabady, A., farahbakhsh, K., younesi, J. (2018). Compilation a psychological empowerment program based on individual psychology theory and and evaluation its effectiveness on female-headed household's empowerment's. *Women Studies*, 9(23): 135-167.
- Khan, T. M. (2010). Socio-cultural Determinants of Women's Empowerment in Punjab. Pakistan, Ph.D dis, University of Agriculture.
- Kimiaee, S. A. (2011). Methods Used for Empowering Head-of-Household Women. *Social Welfare*, (40): 63-92.
- Kishor, S., Gupta, K. (2004). Women's empowerment in India and its states: evidence from the NFHS. *Economic and Political Weekly*, 39 (7): 43-77.
- Koeing, A. M., Saifuddin, A., Bazle, H., Mozumder, KH. (2003). Womens Status and Domestic Violence in Rural Bangladesh Individual and Community Level Effects. *Demography*, 40 (2): 93-111.
- Li, C. P., Li, X. X., Shi, K. (2006). The Measurement of Empowerment and Its Relationship with Work Attitude of Employees. *Journal of Psychology*, 38, 99-106.
- Malhotra, A., Schüler, S., Boender, C. (2003). Measuring women's empowerment as a variable in international development, Paper presented at

- the International Council for Research on Women (ICRW) Insight and Action Seminar, Washington, DC 12 November 2003.
- Nakhoda, M., Rahimian, S., Esmaili Givi, M. (2014). Explaining effective factors on female's psychological empowerment in information and knowledge services. *Women in Development & Politics*, 12(3), 469-488.
- Parveen, S. (2007). Gender awareness of rural women in Bangladesh. *Journal of International Women's Studies*, 1, 253- 269.
- Rahman. M., Naoroze, K. (2007). Women empowerment through participation in aquaculture: Experience of a Large-scale Technology Demonstration Project in Bangladesh, *Journal of Social Science* 3(4), 164-171.
- Rezaeimoghadam, K. & Nematpour, L. (2014). Activity of Vermicompost Production Associations as a Practice of Empowering Rural Women: A Case Study of Fars Province, Iran. *Village and Development*, 17 (3): 83-103.
- Shaditalab, Z., Vahabbi, M. & Varmzayar, H. (2005). Poverty, Only One Aspect of Female Headed Household's Poverty. *Social Welfare*, 5 (17) :227-248.
- Shakori, A., Rafatjah, M. & Jafari, M. (2007). An Analysis of Factors Affecting Women's Empowerment Components. *Womwn in Development and policy*, 5 (1): 1-26.
- Singh, N. (1995). In search of unity: Some thoughts on family-professional relationships in service delivery systems. *Journal of Child and Family Studies*, 4 (1): 3-18.
- Taghipour, Ali., Sadat Borghei, Narjes., Latifnejad Roudsari, Robab., Keramat, Afsaneh., Jabbari Nooghabi, Hadi. (2016). Psychological Empowerment Model in Iranian Pregnant Women. *International Journal of Community Based Nursing Midwifery*, 4 (4), 339-351.
- Thomas, K., Velthouse, B. (1990). Cognitive Elements of Empowerment: An "interpretive Model of Intrinsic task Motivation". *Academy of Management Review*, 38, 91- 123.
- Vatankhah Noghani, A., Ghasemi, M. & Javan, J. (2016). Identify and prioritize strategies for the empowerment of women in rural migration Based on the SWOT matrix technique QSPM (Case Study: Mashhad County). *Women's Studies Sociological and Psychological*, 14(3), 5-6.
- White, S. C. (2010). Domains of contestation: Women's empowerment and Islam in Bangladesh. *Women's studies international forum*, 33 (4): 334-344.
- Wilson, P.A. (1996). Empowerment: Community Economics Development from the Inside Out, *Urban Studies*, 33, 617-31.
- World Health Organization. (2006). What is the evidence on effectiveness of empowerment to improve health?. Copenhagen: WHO Regional Office for Europe.

